

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

عارف عزيز "گذرگاه"

لیموژ – فرانسه

۲۸ اکتوبر ۲۰۱۴

سرگردانی کرزی بعد از ریاست

ز دو دیده خون فشانم، ز غمت، شب جدائی	که ارگ رفت از دست، با همه بهانه فزائی
همه شب نهاده ام سر، چو سگان، بر آستانش	که مگر دوبر یابم آن چوکی کذائی
سیزده سال مقام و چوکی، دروغ و ریا و مستی	چنان زودگذر بود همه اش گذشت با گدائی
در اطراف من چاپلوسان، قاچاقبران و دزدان	جمع بودند آنها چو جـوکان گنده آبی
به حلقم چو قند بودست، بدلم چنان بند بودست	که دور کاسه شیر پرند مگسان هوئی
در قلبم همیشه تاریک، ز چه رو سفید گردد؟	چونکه گوش من کر بود، نشنیدم راکت هوئی
عزت و آبرو ندارم، به چه رو روم به ملت؟	نشود پاک از من، دروغ و کذب و قدرت ریائی
به کدام مذهب است طالب؟ به کدام ملت است طالب؟	که منم عاشق او، مگر او برادر جنائی؟
بدامن رعیت زدم دست، به هیچ جا رهم ندادند	که درون ارگ چه کردی که حال پیش مردم آئی؟
به ایران و پاکستان رفتم، همه دروغ دیدم	چو به مجاهد رو کردم، همه زاهد ریائی

در دوزخ میزدم من، ملا عمر صدا کرد

که: درآ، درآی کرزی! که تو هم از آن مائی